

عبور از مفهوم ظاهری اشارات قرآنی در احیای مجدد

عبدالحسن کاظمی

فرزانه نمديه

چکیده

با استفاده از معنی ظاهری آیه سوم سوره قیامت و تفسیر آیه در تفسیر نمونه و همچنین نتایج پژوهش‌ها و نظرات دانشمندان برجسته و صاحب نام جهانی در حوزه علوم ژنتیک مولکولی و مولکولار بیولوژی با استفاده از پایگاه علمی PubMed¹ به عنوان یکی از جامع‌ترین پایگاه‌های اطلاعات علمی - پژوهشی در زمینه علوم پزشکی، مطالعه‌ای تطبیقی و مفهومی در مورد معنی آیه سوم سوره قیامت و تفسیر آیه فوق با یافته‌های علمی - پژوهشی ظریف در حوزه علوم ژنتیک مولکولی و مولکولاریولوژی انجام گردید. به نظر می‌رسد که مفهوم احیاء مجدد سرانگشتان دست مردگان که در آیه سوم سوره قیامت مورد تأکید قرار گرفته است؛ از مفهوم ظاهری و تصور خام مربوط به شکل گیری مجدد انگشتان بسیار فراتر رفته و عمق و ژرفای حیرت‌انگیزی پیدا می‌نماید و با توجه به وجود سلسله اسباب و علل در جهان آفرینش به عنوان مجاری ظهور اراده و قدرت الهی، در احیاء مجدد انگشتان دست مردگان اسباب و علل ژنتیکی و کروموزومی شکل‌دهنده به این انگشتان نیز با ظرایف و پیچیدگی‌های حیرت‌آور خود به صورت مجدد و با قدرت الهی احیاء می‌شوند و این قسمت اخیر است که ظرافت، عمق و گستردگی مفهوم احیاء مجدد را به نحو بارز و برجسته‌ای آشکار می‌سازد و بر عظمت قدرت پروردگاری گواهی می‌دهد.

واژگان کلیدی

سوره قیامت؛ احیاء مجدد؛ بیولوژی مولکولی.

عبور از مفهوم ظاهری اشارات قرآنی در احیای مجدد

آیه سوم سوره قیامت ﴿أَيُّحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ (تفسیر نمونه). آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟ و آیه چهارم سوره قیامت - ﴿يَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ تُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾ (نموز و مک گنیس، ۲۰۰۶) - «آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم». (قرآن مجید). در قرآن مجید و هم چنین آیات عدیده دیگری در کلام الهی اشاره به قدرت پروردگاری در تجمیع اعضا و جوارح و ظرایف پیکر موجودات زنده و احیاء مجدد آنها دارند که به‌عنوان اشارتی به توانایی ذات احدیت در قیاس با اموری دارند که از عهده علم و توانایی بشری خارجند. آیه چهارم از سوره مبارکه قیامت به قدرت پروردگار در زمینه آفرینش و شکل‌دهی مجدد نوک انگشتان آحاد انسانی اشارت دارد؛ امری که با توجه به معرفت و دانش تجربی فعلی بشر از یک طرف اشاره‌ای به ظرایف ساختمانی موجود در خطوط و شیارهای نوک انگشتان و از طرف دیگر اشاره‌ای به قدرت لایزال الهی در احیاء مجدد این خطوط و شیارها دارد. به نظر می‌رسد که می‌توان احیاء مجدد خطوط و شیارهای نوک انگشتان را به‌صورتی عمیق تر و دقیق‌تر مورد توجه و بررسی قرار داد تا دامنه و گستردگی ظرافت این اشاره قرآنی به‌صورتی روشن‌تر آشکار گردد و عمق ظرافت این اشاره با توجه به اسباب و علل ژنتیکی و مولکولی منجر به شکل‌گیری مجدد خطوط و شیارهای انگشتان دست به‌صورتی ویژه نمایان شود و این قسمت اخیر است که ظرافت، عمق و گستردگی مفهوم احیاء مجدد را بنحو بارز و برجسته‌ای آشکار می‌سازد و بر عظمت قدرت پروردگاری گواهی می‌دهد.

روش کار

با سعی در مطالعه و بررسی تطبیقی و مفهومی آیه سوم سوره قیامت و تفسیر آیه فوق با یافته های علمی - پژوهشی در حوزه علوم ژنتیک مولکولی و مولکولار بیولوژی و استفاده از مفاهیم و ظرایف مشخص شده اخیر در حوزه این علوم تجربی، اهتمام لازم برای درک مفاهیم عمیق تری از ظاهر کلام الهی در زمینه اشارات قرآنی در احیاء مجدد به عمل آمد. توجه به قدرت لایزال الهی در احیاء مجدد خطوط و شیارهای سر انگشتان دست، این تفکر را برمی انگیزد که در وری این بازسازی مجدد ظرایف ساختاری سر انگشتان دست، پیچیدگی های حیرت آور و عبرت آمیز خلقت نهفته است و تطبیق نتایج پژوهش ها و نظرات منتشره در مقالات دانشمندان برجسته و صاحب نام جهانی در حوزه علوم ژنتیک مولکولی و مولکولار بیولوژی در مورد ارگانوژن^۲ یا اندام زایی موجودات زنده و مورفوژن^۳ یعنی شکل گیری هر عضو و یا اندام در پیکر موجودات زنده و از جمله انسان از مسیر برنامه ریزی و کنترل ژنتیکی با محکمت آیات قرآنی با توجه به اهمیت و جذابیت علمی مسئله مد نظر قرار گرفت. بررسی نتایج پژوهش ها، مقالات و نظرات دانشمندان برجسته و صاحب نام جهانی در حوزه علوم ژنتیک مولکولی و مولکولار بیولوژی با استفاده از پایگاه علمی PubMed انجام گردید که یکی از معتبرترین و جامع ترین پایگاه های اطلاعات علمی - پژوهشی در زمینه علوم پزشکی با داشتن اطلاعات بیش از چهارده میلیون مقاله پزشکی می باشد.

در مورد آیه سوم سوره قیامت در تفسیر آمده است که: آری ما قادریم که حتی انگشتان (خطوط سرانگشتان) او را دوباره به صورت اول موزون و مرتب کنیم ﴿بلی قادرین علی ان نسوی بنانه﴾. در روایتی آمده است که یکی از مشرکان که در همسایگی پیامبر (ص) زندگی می کرد به نام عدی بن ربیع خدمت حضرت (ص)

آمد و از روز قیامت سؤال کرد که چگونه است؟ و کی خواهد بود؟ سپس افزود: اگر آن روز را من با چشم خودم ببینم باز تصدیق تو نمی‌کنم و به تو ایمان نمی‌آورم! آیا ممکن است خداوند این استخوان‌ها را جمع‌آوری کند؟ این باور کردنی نیست! این جا بود که آیات فوق نازل شد و به او پاسخ گفت و لذا پیغمبر (ص) درباره این مرد لجوج معاند می‌فرمود: ﴿اللهم اكفني شر جاری السوء﴾ خداوندا شر این همسایه بد را از من دور کن (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱). نظیر این معنی در آیات دیگر قرآن نیز به چشم می‌خورد، از جمله در آیه ۷۸ سوره یس می‌خوانیم: یکی از منکران معاد قطعه استخوان پوسیده‌ای را به دست گرفته بود و به پیغمبر می‌گفت ﴿من یجی العظام و هی رمیم﴾ چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟ ضمناً تعبیر ﴿ایحسب﴾ از ماده حسبان به معنی گمان اشاره به این است که این منکران هرگز به گفته خود ایمان نداشتند بلکه تنها بر پندار و گمان های واهی و بی‌اساس تکیه می‌کردند. اما ببینیم چرا مخصوصاً روی استخوان‌ها تکیه شده است؟ این به خاطر آن است که اولاً دوام استخوان بیش از سایر اعضا می‌باشد، و لذا هنگامی که بپوسد و خاک شود و ذرات غبارش پراکنده گردد امید بازگشت آن در نظر افراد سطحی کمتر است. ثانیاً استخوان مهم‌ترین رکن بدن انسان می‌باشد، چرا که ستون‌های بدن را استخوان‌ها تشکیل می‌دهند، و تمام حرکات و جابجایی و فعالیت‌های مهم بدن به وسیله استخوان‌ها انجام می‌گیرد، کثرت و تنوع و اشکال و اندازه‌های مختلف استخوان‌ها در بدن انسان از عجایب خلقت خداوند محسوب می‌شود، و ارزش یک مهره کوچک پشت انسان هنگامی ظاهر می‌شود که از کار بیفتد و می‌بینیم که تمام بدن را فلج می‌کند. «بنان» در لغت هم به معنی انگشتان آمده و هم به معنی سرانگشتان، و در هر دو صورت اشاره به این نکته است که نه تنها خداوند استخوان‌ها را جمع‌آوری می‌کند، و به

حال اول باز می‌گرداند، بلکه استخوان‌های کوچک و ظریف و دقیق انگشتان را همه در سر جای خود قرار می‌دهد، و از آن بالاتر خداوند حتی سرانگشتان او را به طور موزون به صورت نخست باز می‌گرداند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱). این تعبیر می‌تواند اشاره لطیفی به خطوط سرانگشت انسان‌ها باشد که می‌گویند کمتر انسانی در روی زمین پیدا می‌شود که خطوط سرانگشت او با دیگری یکسان باشد، یا به تعبیر دیگر خطوط ظریف و پیچیده‌ای که بر سرانگشتان هر انسانی نقش است؛ معرف شخص او است و لذا در عصر ما مساله انگشت‌نگاری به صورت علمی درآمده و به وسیله آن بسیاری از مجرمان شناخته شده و جرم‌ها کشف گردیده است، همین قدر کافی است که مثلاً یک سارق هنگامی که وارد اتاق یا منزلی می‌شود دست خود را بر دستگیره در، یا شیشه اطاق یا قفل و صندوق بگذارد و اثر خطوط انگشتانش روی آن بماند، فوراً از آن نمونه‌برداری کرده، با سوابقی که از سارقان و مجرمان دارند؛ مطابقه نموده و مجرم را پیدا می‌کنند. در آیه بعد به یکی از علل حقیقی انکار معاد اشاره کرده می‌فرماید: چنین نیست که انسان در قدرت خداوند بر جمع استخوان‌ها و زنده کردن مردگان تردید داشته باشد، بلکه هدفش از انکار این است که مادام‌العمر گناه کند ﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرْ أَمَامَهُ﴾. انسان گناهکار می‌خواهد از طریق انکار معاد، کسب آزادی برای هرگونه هوسرانی و ظلم و بیدادگری و گناه بنماید، هم وجدان خود را از این طریق اشباع کاذب کند، و هم در برابر خلق خدا مسؤولیتی برای خود قائل نباشد چرا که ایمان به معاد و رستخیز و دادگاه عدل خدا سد عظیمی است در مقابل هرگونه عصیان و گناه، او می‌خواهد این لجام را بگیرد و این سد را درهم بشکند و آزادانه هر عملی را خواست انجام دهد. این منحصر به زمان‌های گذشته نبوده است، امروز هم یکی از علل گرایش به مادیگری و انکار مبدء و معاد، کسب آزادی برای فجور و گریز

از مسؤولیت‌ها، و شکستن هرگونه قانون الهی است، و گرنه دلائل مبدأ و معاد آشکار است.

باید گفت که ارگانوژنز^۲ یعنی اندام‌زایی و مورفوژنز^۳ یعنی شکل‌گیری هر عضو و یا اندامی در پیکر موجودات زنده از مسیر برنامه‌ریزی و کنترل ژنتیکی بسیار پیچیده کروموزوم‌های آن موجود زنده به ویژه خوشه ژنی موسوم به هاکس و ونت^۴ عبور می‌نماید (نمونز و مک‌گینس، ۲۰۰۶) (لینورا و پورکی، ۲۰۰۷) که در هسته سلول‌های پیکر موجودات زنده، به‌ویژه ژن‌هایی موسوم به ژن‌های تعادل بدنی یا هومئوتیک^۵ در اندام‌زایی متعادل اعضا بدن موجودات زنده نقشی اساسی ایفا می‌نمایند و بنابراین مفهوم شکل‌گیری مجدد و احیاء انگشتان و خطوط و شیارهای آن و یا مثلاً احیاء و تجمیع استخوان‌های پوسیده مردگان بدین معنی است که اسباب و علل وقوع این اعجاز الهی از نظر زمانی و وجودی، قبل از وقوع این پدیده از مسیر اعجاز فراهم می‌گردد و هر چند بروز این پدیده به‌صورت اعجاز الهی انجام می‌گیرد ولی اسباب و علل اعجازی وقوع آن با اراده و قدرت پروردگاری فراهم می‌گردد و این بدان معنی است که علل و مبانی ژنتیکی، کروموزومی و مولکولی (اسباب و مسبب) احیاء مجدد انگشتان و خطوط و شیارهای آن نیز فراهم می‌آید. (ناپیر و کیدسون، ۲۰۰۷) (تابین و والپرت، ۲۰۰۷).

روشن است که انگشتان احیاء شده دقیقاً همان خصوصیات انگشتان قبلی را خواهند داشت و هویت انگشتان احیاء شده همان هویت قبلی آنها خواهد بود و بنابراین احیاء مجدد منحصر به شکل ظاهری آنها نبوده بلکه اعماق این انگشتان و اسباب و علل ژنتیکی و کروموزومی شکل‌دهنده به این انگشتان نیز بصورت مجدد و با قدرت الهی احیاء می‌شوند. (تاتاریوف، ۲۰۰۷) و این قسمت اخیر است که ظرافت، عمق و گستردگی مفهوم احیاء مجدد را به‌نحو بارز و برجسته‌ای آشکار می‌سازد و بر عظمت قدرت پروردگاری گواهی می‌دهد.

نتیجه

در طی چند سال گذشته، تکمیل و اتمام مرحله اول پروژه مطالعه ژنوم انسان^۶ به وسیله تیمی بسیار بزرگ و جهانی از برجسته‌ترین و شهیرترین متخصصین ژنتیک، مولکولاریولوژی و مهندسی ژنتیک عالم، گوشه‌ای ناچیز از عظمت خلقت و آفرینش الهی را نشان داد زیرا نتایج این پروژه جهانی که جوامع علمی اهمیت آن را مترادف با پیاده شدن انسان در کره ماه ارزیابی کردند؛ نشان داد که در ۴۶ کروموزوم^۷ موجود در هسته هر سلول از بدن یک انسان، حدود ۱۲۰ میلیارد عدد نوکلئوتید^۸ با نظم و ترتیب و انسجام ویژه‌ای قرار گرفته و آرایش و انتظام پیدا کرده‌اند تا فعالیت عادی سلول‌ها و شکل و شمایل ویژه اجزای پیکر انسان ممکن و محقق گردد. (ساتیو، ۲۰۰۱) (لانگلويس، ۲۰۰۷) از نظر ژنتیکی وجود ناهماهنگی و بی‌نظمی حتی در یکی از یکصد و بیست میلیارد نوکلئوتید سازنده کروموزوم‌ها و ژن‌های هر سلول کافی است که اختلالی جدی و مرگبار در پیکر انسان و یا هر موجود زنده دیگر به وجود آورد (مورنو و لازار و دیگران، ۲۰۰۸) (مارسو و بروئیکل، ۲۰۰۸) و بنابراین مفهوم احیاء مجدد انگشتان دست مردگان از مفهوم ظاهری و تصور خام مربوط به شکل‌گیری مجدد انگشتان بسیار فراتر رفته و عمق و ژرفای حیرت‌انگیزی پیدا می‌نماید زیرا برای احیاء و شکل‌گیری مجدد هر سلول از اعضا و جوارح بدن و منجمله سلول‌های سازنده انگشتان دست باید حدود یکصد و بیست میلیارد نوکلئوتید با نظم و ترتیب ویژه‌ای دوبار احیاء و گردهم آیند و سپس این تعداد کثیر از ماکرومولکول‌های حیاتی، به‌نحوی ویژه سازمان یابند و در مرحله بعدی به‌صورتی خاص از روی قسمت‌هایی ویژه از آنها مولکول‌های ویژه‌ای به‌نام Messenger RNA^۹ ساخته شوند و متعاقب این مرحله، از روی این mRNAها، هزاران عدد آنزیم و هزاران نوع مولکول‌های پروتئینی با

مکانیسم‌هایی حیرت‌انگیز و شگفت‌آور ساخته شوند و این روند با مراحل پیچیده متعدد دیگر باید همچنان ادامه پیدا کند تا در نهایت عضوی کوچک دوباره شکل گیرد (میلر و مارتین، ۲۰۰۸) (هیگنیر و آلکورایا و دیگران، ۲۰۰۸) و تازه این شکل‌گیری هم باید چنان دقیق و ظریف و مدبرانه باشد که دقیقاً به همان هویت قبلی منجر شود و اینجاست که مفهوم علم قلیل بشری و وجود خزاین علم و قدرت در نزد پروردگاری مجسم و مسجل می‌گردد و احیاء مجدد انسان، ظرایف ساختمانی پیکر انسان و یا هر موجود زنده دیگر معنایی غیر از مفهوم ظاهری و اولیه آن پیدا می‌کند به‌ویژه آن که باید در نظر گرفت در فردای قیامت، همه انسان‌های خلق شده از ابتدای خلقت تا آخرین فرزندان آدم مجدداً احیاء می‌شوند و سرانگشتان هر فرد احیاء شده نیز به یک معنی شناسنامه هویتی و ژنتیکی وی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

- 1- <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/sites/entrez>
- 2- Organogenesis
- 3- Morphogenesis
- 4- Hox & Wnt gene clusters
- 5- Homeotic
- 6- Human Genome project (HGP)
- 7- Chromosome
- 8- Nucleotide
- 9- MRNA

فهرست منابع

- قرآن مجید. ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی.
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). تفسیر نمونه. ج: ۴. چاپ ۴۳. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- Bondos S. Variations on a theme: Hox and Wnt combinatorial regulation during animal development. *Sci STKE*. 2006;3;2006(355):38-41.
- Douville JM, Wigle JT. Regulation and function of homeodomain proteins in the embryonic and adult vascular systems. *Can J Physiol Pharmacol*. 2007;85(1):55-65.
- Dupin E, Creuzet S, Le Douarin NM. The contribution of the neural crest to the vertebrate body. *Adv Exp Med Biol*. 2006;589:96-119.
- Handrigan GR, Wassersug RJ. The anuran Bauplan: a review of the adaptive, developmental, and genetic underpinnings of frog and tadpole morphology. *Biol Rev Camb Philos Soc*. 2007;82(1):1-25.
- Higgins AW, Alkuraya FS, Bosco AF, Brown KK, Bruns GA, Donovan DJ, et al. Characterization of apparently balanced chromosomal rearrangements from the developmental genome anatomy project. *Am J Hum Genet*. 2008;82(3):712-22.
- Imura T, Pourquié O. Hox genes in time and space during vertebrate body formation. *Dev Growth Differ*. 2007;49(4):265-75.
- Langlois A. The Governance of Genomic Information: Will it Come of Age? *Genomics Soc Policy*. 2007;2(3):64-74.
- Lemons D, McGinnis W. Genomic evolution of Hox gene clusters. *Science*. 2006;29;313(5795):1918-22.
- Lin CM, Jiang TX, Widelitz RB, Chuong CM. Molecular signaling in feather morphogenesis. *Curr Opin Cell Biol*. 2006 Dec;18(6):730-41. Epub 2006;17.
- Maresso K, Broeckel U. Genotyping Platforms for Mass-Throughput Genotyping with SNPs, Including Human Genome-Wide Scans. *Adv Genet*. 2008;60:107-39.
- Miller VL, Martin AM. The human genome project: implications for families. *Health Soc Work*. 2008;33(1):73-6.
- Moreno C, Lazar J, Jacob HJ, Kwitek AE. Comparative genomics for detecting human disease genes. *Adv Genet*. 2008;60:655-97.
- Napier HR, Kidson SH. Molecular events in early development of the ciliary body: a question of folding. *Exp Eye Res*. 2007;84(4):615-25.

- Saitou N. Comparative analysis of primate genomes. *Tanpakushitsu Kakusan Koso*. 2001;46(16 Suppl):2481-5.
- Tabin C, Wolpert L. Rethinking the proximodistal axis of the vertebrate limb in the molecular era. *Genes Dev*. 2007;15;21(12):1433-42.
- Tatarinov LP. Molecular genetics and epigenetics in the morphogenesis mechanisms. *Zh Obshch Biol*. 2007;68(3):165-9.

یادداشت شناسه مؤلف

دکتر عبدالحسن کاظمی؛ دانشیار مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، بیوتکنولوژی، بیماریهای عفونی و گرمسیری دانشگاه علوم پزشکی تبریز، عضو شورای پژوهشی مرکز تحقیقات حقوق و اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

فرزانه نمدیه؛ دبیر معارف اسلامی دبیرستان‌های ناحیه ۳ آموزش و پرورش تبریز.

نشانی الکترونیکی: kazemi1338@gmail.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۷/۸/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۹/۲۹